

تحلیل آموزه‌های تربیتی در داستان‌های برگرفته از کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه در مجموعه آثار آذریزدی

وجیهه کریمی

استادیار گروه علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فرزانه حسن پوران

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

حمزه محمدی ده چشمه

استاد مدعو گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

چکیده

با توجه به وسعت کاربرد داستان‌های برگرفته از کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه در قصه‌گویی برای کودکان و نوجوانان در ایران، هدف پژوهش حاضر تحلیل آموزه‌های تربیتی این داستان‌ها در پرمخاطب‌ترین بازنویسی فارسی آن اثر مهدی آذریزدی بوده است. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و براساس ماهیت، آمیخته بهم‌تنیده بود و تحلیل محتوای کیفی و کمی به صورت موازی همگرا برای مجموع ۴۶ قصه "کلیله و دمنه" و "مرزبان‌نامه" در مجموعه ۸ جلدی "قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب" انجام گرفت. تحلیل محتوای کیفی از نوع تلخیصی قیاسی بوده و مولفه‌ها و زیرمولفه‌های تربیت با مرور ادبیات پژوهش، شناسایی و پس از تایید ۶۱ مولفه توسط خبرگان، فهرست واریسی جهت انطباق محتوا با ساحت‌های یادشده بکارگرفته شد. روش شناخت مضامین بر اساس شناخت کلمات و عبارات مترادف یا تکراری، اصطلاحات و عبارات و واژه‌های کلیدی بوده و به مضامین نهان و آشکار متن توجه شد. کدگذاری پس از مطالعه مکرر متن صورت پذیرفت و محتوا بر اساس وجوه مشترک با هر یک از مقولات اولیه و ثانویه تحلیل گردید. یافته‌ها نشانگر شناسایی ۳۹۰ آموزه تربیتی در مولفه‌های هفت‌گانه تربیت در این داستانها بود و آزمون خی‌دو، وجود تفاوت بین میزان توجه به آموزه‌های تربیتی در داستان‌ها را تأیید کرد. رشد و تقویت عقلانیت و خردورزی، تربیت اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و اقتصادی به ترتیب مورد توجه‌ترین آموزه‌های تربیتی در محتوا بوده و برای تربیت در این ابعاد پیشنهاد می‌گردد؛ ولی به دلیل فقدان یا کمبود محتواهایی پیرامون تربیت جنسی و پس از آن تربیت سیاسی، این داستانها برای تربیت کودکان در این دو بعد توصیه نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی

آموزه تربیتی، تربیت، کلیه و دمنه، مرزبان‌نامه، مهدی آذریزدی

۱. مقدمه

تربیت فرایندی پیچیده، مستمر و چندبعدی است که می‌تواند به بروز رفتارهای اجتماعی به‌هنجار محدود گردیده یا دربرگیرنده کلیه ساحت‌های وجودی انسان باشد و به ظهور اندیشه‌ها و نگرش‌های نوین یا رفتارهای نوپدید مطلوب، بینجامد. از این‌رو، اندیشمندانی چون غزالی، تربیت را پس از پیامبری شریف‌ترین اقدام دانسته و کانت آن را بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئله آدمی عنوان کرده است. افلاطون نیز هیچ فنی را عالی‌تر و مقدس‌تر از تربیت عنوان نکرده و آن را کارکردی برای برانگیختن و گسترش حالات جسمی، عقلی و اخلاقی متربی در گستره‌ی استعداد‌های مادرزادی بیان نموده است (احمدی نوری و عییلو، ۱۳۹۹: ۳۸). بر اساس نظر این اندیشمندان تربیت قابل آموختن بوده و مجموعه آموزش‌های پنهان یا آشکاری که بتواند در فردی که تربیت می‌شود، تغییراتی پایدار، تدریجی و پی‌درپی ایجاد کند و به گونه‌ای باشد که شخص مورد تربیت را به کمال مطلوب نزدیک کند، آموزه تربیتی نام می‌گیرد (رستمی‌نسب، ۱۴۰۱).

توجه به مقوله تربیت همانگونه که برای اندیشمندان حوزه تربیت دارای اهمیت بوده از سوی اندیشمندان ادب و زبان پارسی نیز مورد عنایت قرار گرفته و آموزه‌های تربیتی در لفافه‌های ادبی در آثار منشور یا منظوم گنجانده شده است. در واقع داستان به‌خاطر داشتن اسلوب ساده، غیرپیچیده و قابل فهم در بین دیگر انواع ادبی کاربرد قابل توجهی برای آموزش کودکان و نوجوانان داشته و نقل قصه‌های آموزنده متناسب با فرهنگ، ضمن بهبود یادگیری و برانگیختن هیجان‌های متعدد، تجربه‌های تازه‌ای را در اختیار کودکان قرار می‌دهد (مرادیان، مشهدی، آقامحمدیان و اصغری نکاح، ۱۳۹۳). همچنین داستان در ساده‌ترین شکل، به آموزش اصول اخلاقی، اجتماعی کردن کودکان و پایبندی به قواعد و هنجارها اهتمام می‌ورزد. حکایت‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه در نسخه اصلی و بازنویسی شده، نمونه‌ای از این اندیشه‌ورزی ادیبان است. آنچه بیش از پیش حکایات کلیله و دمنه را برای کودکان و نوجوانان جذاب ساخته، استفاده نویسنده از عنصر خیال می‌باشد. نویسنده در توصیف‌ها و تعبیری که از مکان‌ها و شخصیت‌ها و اوضاع زمانه دارد، با قدرت تخیل این مهم را به انجام رسانده است؛ بهره‌گیری از حس زبان‌بخشی به حیوانات، همچنین وجود تشابه زیاد در داستان‌نگاری کلیله با شیوه متداول داستان‌پردازی معاصر از دیگر ویژگی‌های کلیله و دمنه محسوب می‌شود (حدادی و کمال‌الدینی، ۱۳۹۸: ۴۵). مرزبان‌نامه نیز از جمله شاهکارهای بلامنازع ادب فارسی و مازندرانی در

نثر مصنوع مزین است که می‌توان آن را سرآمد همه آنها تا اوایل قرن هفتم دانست. در بسیاری از موارد مرزبان نامه از حد نثر مصنوع متداول، گذشته و صورت شعری دل‌انگیز یافته است (رضایی، ۱۳۸۹: ۶۲). این دو مجموعه داستانی به دلیل محتوای غنی و بکارگیری ادبیات تمثیلی در زبان‌های مختلف مورد اقبال عمومی قرار گرفته‌اند.

آذریزدی نیز با اقتباس از کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و انتخاب داستان‌هایی که از منظر وی برای بچه‌ها خوب بودند، دو جلد از مجموعه هشت‌جلدی *قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب* را به نگارش درآورد. وی بر این اعتقاد بود که گرچه اثرش همچون کتب درسی، راهنمای دانش و فن نیست؛ ولی فاقد مضامینی است که برای کودکان و نوجوانان بدآموزی داشته باشد و نتایجی کارآمد را به خواننده یا شنونده تلقین می‌کند. عارفی و شعبانزاده (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود بر روی دو داستان بازنویسی شده آذریزدی با عنوان «*قصه‌های مثنوی*» و «*قصه‌های عطار*» بیان نمودند که در حکایاتی که انتقال مسایل اخلاقی به مخاطب کمتر مورد توجه بوده، بازنویس به گونه‌ای آشکار، قصه را بازآفرینی نموده و درون‌مایه‌های اخلاقی به آن افزوده است. سادگی انشا، پرهیز از بیان دروغ‌های تخیل‌انگیز و رعب‌آمیز، بهره‌گیری از نثر فارسی سالم، پرهیز از خیال‌بافی‌های جادویی و پیروی از سبکی که شیرین، گیرا و جذاب باشد از ویژگی‌هایی است که این مجموعه داستانی را نزد مخاطبان فارسی زبان ارزشمند ساخته است. در بازنویسی داستان‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه، نویسنده علاوه بر رعایت اصول یادشده برای حفظ امانت‌داری به تبعیت از اصل مأخذ، غالباً به صراحت نکات را یادآوری کرده است.

با توجه به محبوبیت عمومی و فراوانی کاربرد داستان‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه با بازنویسی آذریزدی در مجموعه *قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب* و بهره‌گیری از این داستانها به اشکال متعدد الکترونیکی، چاپی و صوتی در محتواهای درسی و غیر درسی کودکان و نوجوانان در ایران، مسئله پژوهش حاضر آن است که آیا در این اثر فقط به عرضه افکار و معانی پرداخته شده یا آنکه تربیت و هفت مولفه اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی، اقتصادی، جنسی و سیاسی در قالب آموزه‌های مشهود و مکنون در آن مطمح نظر واقع گردیده و می‌تواند با آموزش مجموعه‌ای از اصول و مرام به تربیتی، تغییراتی را در بینش، نگرش و ارزش‌های او ایجاد کرده و تربیت مطلوب و همه‌جانبه مخاطب را هموار سازد.